افزایش سرمایه گذاریهای خارجی در کشورهای رو به رشد

بررسی روند سرمایه‏گذاری خارجی در کشورهای‏ متفاوت جهان گویای این واقعیت آشکار است که از آغاز دهه 1990 و همزمان با رورد اقتصادی در کشورهای‏ پیشرفته صنعتی،ورود سرمایه‏های خصوصی خارجی به‏ کشورهای رو به رشد از افزایش چشمگیری برخوردار گشته‏ است.در سالهایی که به سالهای‏"بحران بدهی‏ها"مشهور شده است یعنی سالهای 89-1982 تنها 28 میلیارد دلار از سرمایه‏های بخش خصوصی به کشورهای رو به رشد سرازیر شده است،حال آنکه این رقم در سال 1993 به‏ 169 میلیارد دلار افزایش یافته است.

نتایج حاصل از بررسی‏های بعمل آمده از سوی صندوق‏ بین المللی پول( IMF )درباره چگونگی افزایش سرمایه‏ گذاریهای خصوصی در کشورهای رو به رشد و مطالعات‏ وسیعی که در این زمینه انجام پذیرفته نشان می‏دهد که‏ سرمایه‏گذاریهای خارجی در سال 1994 به سبب بحران‏ های خارج از کنترل که در سراسر جهان ایجاد شده است در مقایسه با سال پیش از آن با کاهش نسبتا قابل توجهی‏ روبرو بوده است.

لازم به یادآوریست که بخشی از بحران‏های پولی‏ جهان در سال مورد اشاره ناشی از سختگیری‏های ایالات‏ متحده امریکا در اعمال سیاست پولی ویژه آن کشور بوده‏ است.در نتیجه کشورهای رو به رشد به اجبار از مشارکت‏ خود در بورسهای بین المللی و میزان فروش اوراق بهادار دولتی در بورس‏های مورد اشاره کاستند.در اواخر سال‏ 1994 با بهبود نسبی که در امور بانکی و پولی جهان ایجاد شد،میزان خرید و فروش اوراق بهادار صادر شده از سوی‏ کشورهای رو به رشد نیز رو به فزونی نهاد.

در سال 1994 دولت مکزیک ارزش برابری پول خود را کاهش داد و این کار واکنشی منفی برای سرمایه‏گذاران‏ خصوصی در پی داشت.بنابر این باید توجه داشت که تا اواسط سال 1995 از آهنگ ورود سرمایه‏های خارجی به‏ کشورهای رو به رشد به گونه‏ای چشمگیر کاسته شده است. در همین دوره از میزان معامله اوراق بهادار که از سوی دولت‏ های کشورهای در حال رشد صادر شده بود نیز شدیدا کاسته شد.

نرخ اعتبار برای این کشورها در ماههای نخستین سال‏ 1995 به بالاترین رشد خود در چند سال اخیر رسید.در این‏ حال،کشورهای رو به رشد ه نگران مشکلات بیشتری‏ بودند برای فروش سهام و اوراق بهادار به بازارهای بورس‏ بین المللی هجوم آوردند.کشورهای آمریکای لاتین‏ و بویژه برزیل در شمار کشورهای رو به رشدی بودند که‏ بیش از دیگران متحمل ضرر و زیان شدند و صدور اوراق‏ بهادار جدیدی را به اجبار در برنامه‏های خود گنجاندند. کشور مکزیک توانست در ماه ژوئیه 1995 دوباره به‏ بازارهای جهانی باز گردد.در ماه سپتامبر اوراق بهادار منتشر شده از سوی مکزیک با تقاضای جهانی مطلوبی‏ روبرو شد.پس از مکزیک،آرژاتنتین توانست با عملکرد مناسبی وارد بازارهای جهانی شود و سرمایه‏های‏ خصوصی را به گونه‏ای بسوی خود جلب کند.

با این حال درخور توجه است که،در نیمه نخست سال‏ 1995 تنها آن دسته از کشورهای رو به رشد موفق به‏ اخذ وام و بهره‏گیری از سرمایه‏های خصوصی بودند که‏ اعتبار بالقوه آنها چنین امکانی را بوجود آورده بود.اکنون‏ انتظار می‏رود،ورود سرمایه‏های خصوصی به این کشورها که هنوز پایین‏تر از سطح 1994-1993 است دست کم‏ در سال جاری دوباره افزایش یابد.

نظارت ناشی از بررسی‏های صندوق بین المللی پول‏ حاکی از آن است که کشورهای رو به رشد بایستی‏ موفقیت‏های شایان توجهی را در زمانبندی بدهی‏های‏ خود بدست آورده باشند.مانند بیشتر کشورهائی که دارای در آمد متوسط می‏باشند یا تاکنون موفق به زمانبندی وام‏ شده‏اند و یا در حال گفتگو برای انجام آن می‏باشند.

در پایان لازم به یادآوریست همانگونه که اشاره شد طی‏ سالهای اخیر به دلائل بسیار از ورود سرمایه به کشورهای‏ پیشرفته صنعتی به همان عللی که عنوان گردید تا حدودی کاسته شد،اما با تبلیغات کمونیستی حدود بیش از هفتاد سال در شمال کشور و عدم آگاهی مردم از این‏ واقعیت امکان جلب سرمایه‏های خارجی به کشور میسر نگردید و اکنون نیز به نظر می‏رسد چنانچه موانع موردنظر سرمایه‏گذاران خارجی از میان برداشته نشود و اقتصاد به‏ گونه‏ای گام‏به‏گام رو به آزادسازی ننهد،نه تنها جلب‏ سرمایه‏های خارجی میسر نخواهد شد،بلکه روزبه‏روز از قدرت اقتصادی ملی و به بیان ساده‏تر تولید ملی و در نهایت توسعه اقتصادی کشور کاسته خواهد شد.

بی‏تردید هنگامیکه از رفع موانع و آزادسازی‏ اقتصاد سخن به میان می‏آید،بدان معنی نیست که‏ تعدادی از مسئولین دست‏اندرکار گرد هم آمده به چنین‏ اقدامی دست یازند،بلکه هدف آنست که کارگزاران‏ و مسئولین اداره امور حکومتی برای برخورد صحیح و منطقی‏ با موضوع،بایستی با بهره‏گیری از تجربه ارباب تجربه‏ و اشراف علمی به موضوع دست به کار آزادسازی اقتصادی‏ و رفع موانع فرا راه توسعه اقتصادی شوند زیرا جز این نیل به‏ هدف میسر نخواهد بود.